

### کارگران، زحمتکشان، با اتحاد و مبارزه از حقوق خود دفاع کنید!

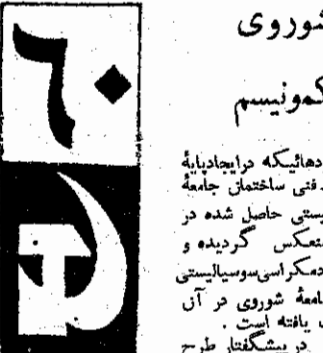
سود ویژه، به بهره‌وری کار، تجدید نظر در قوانین کار بسود کارفرمایان، تشکیل کمیسیون شاهنشاهی برای نظارت در امر تولید، تموین آئین نامه انضباطی علیه کارگران، باز گذارن دست کار فرمایان برای مجازات کارگران تا حد اخراج، تنظیم ششنامه کار، سرکوب بیرحمانه اعتصاب‌های حق طلبانه و مسالمت آمیز کارگران بدست مأموران ساواک، اختصاص برنامه کارگران رادیو تهران به تبلیغ برای بالا بردن بهره‌دهی کار، حتی تفسیر‌های متقلبهانه دنباله در صفحه ۲

## تلگراف شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به رفیق لئونید برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی



رفیق عزیز!  
کمیته مرکزی حزب توده ایران انتخاب شما را به عالی‌ترین مقام دولتی، صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، صمیمانه شاد باش می‌گوید. انتخاب شما بمقام شخصیت اول دولت شوروی نشانه دیگری از محبت بین‌ایان و اعتماد فراوان ملل اتحاد شوروی به شخص شما بعنوان رجل برجسته حزبی و دولتی طراز لنینی است. بدون شک این انتخاب شایسته، رفاه و پیروزی‌های بیشتری را نصیب ملل و دولت شوروی میسازد و نتایج ثمربخشی برای صلح جهانی و پیروزی مبارزات آزادی - ملی خلقها در تمام جهان به‌همراه خواهد داشت.

رفیق عزیز! بهترین آرزو‌های ما را بخاطر حفظ سلامت و کسب پیروزی‌های نوین در اجراء وظایف خطیری که حزب کمونیست و ملل اتحاد شوروی به شما واگذار کرده‌اند، بپذیرید. با سلام‌های گرم بر اترانه کمیته مرکزی حزب توده ایران. دبیر اول - ایرج اسکندری



## طرح قانون اساسی جدید اتحاد شوروی پیروزی تاریخی در راه ساختمان کمونیسم

چهارم ماه ژوئن طرح قانون اساسی جدید اتحاد شوروی به‌منظور بحث و بررسی همگانی مردم شوروی در مطبوعات اتحاد شوروی انتشار یافت. انتشار طرح قانون اساسی جدید اتحاد شوروی در آستانه برگزاری شصتمین سالگرد پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر، یک رویداد تاریخی و حائز اهمیت جهانی است.

طرح جدید پس از تصویب چهارمین قانون اساسی کشور شوروا پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر خواهد بود. قوانین اساسی اتحاد شوروی بیانگر مراحل گوناگون رشد و تکامل نظام سوسیالیستی و تثبیت قانونی و حقوقی دستاوردهای خلقهای اتحاد شوروی در ساختمان جامعه سوسیالیستی و کمونیستی هستند.

نخستین قانون اساسی جمهوری شوروی سوسیالیستی فدراتیو روسیه که در سال ۱۹۱۸ تصویب رسید نتایج پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر را بصورت قانونی تثبیت کرد و سرشت طبقاتی دولت شوروی را بمغایه دولت دیکتاتوری پرولتاریا مشخص ساخت.

دومین قانون اساسی مصوب سال ۱۹۲۴ تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را که برپایه اتحاد داوطلبانه و سوسیالیستی همه خلقهای ساکن کشور بوجود آمد اعلام داشت و اصول و مبانی قانونی و حقوقی و وظایف جمهوریهای متحد در اتحاد شوروی را بصورت قانون تدوین و تنظیم کرد.

در سومین قانون اساسی اتحاد شوروی که در سال ۱۹۳۶ تصویب رسید، پیروزی استقرار مناسبات اجتماعی سوسیالیستی و دستاوردهای آن مرحله از ساختمان سوسیالیسم بازتاب یافت.

طرح جدید قانون اساسی ضمن حفظ بسیاری از فصول و مواد قوانین اساسی پیشین که با سرشت نظام اجتماعی اتحاد شوروی بستگی داشته و دارند، با فصول و مواد تازه‌ای تکمیل شده که مرحله نوین رشد اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جامعه سوسیالیستی رشد یافته و

حکومت سرمایه داران و زمینداران بزرگ تمام وسایل را بیکار انداخته تا بهره کشان آخرین قطره‌های خون کارگران و زحمتکشان را بکشند و بر سودهای کلانی که از راه استثمار بدست می‌آورند باز هم بیفزایند. شاه، نخست وزیر، وزارت کار، ساواک و دستگاههای تبلیغاتی رژیم - شانه بشانه کارفرمایان سمکس، زیرشمار مبارزه با کم کاری، از چندی پیش هجوم تازه ای را علیه زحمتکشان آغاز کرده اند. تابع کردن مزد و

# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

## فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران ای آزادی زندانیان سیاسی متحدا مبارزه کنیم!

مواطنان! سازمانها، گروهها و نیروهای رژیم دیکتاتوری شاه، مدام افکار عمومی مردم ایران و جهان را بیکار می‌سازند، گروهها و نیروهای مخالف کثرتی از زندانیان خود را باز کنند و معلوفی از سیاسی را آزاد نمایند. این موفقیت نشانه آن است که با مبارزه متحد، مدام و پیگیر، حتی رژیم متناقض را نیز میتوان به عقب نشینی واداشت. لی در برابر این اجبار به عقب نشینی، رژیم از یکسو آزادی معلوفی از زندانیان سیاسی ای از دموکرات، بودن خود جلوه دهد و از گرسنگی زندانیان سیاسی را، پایان یافته، روشن است که این تلاش رژیم در تضاد آشکار است. زیرا هنوز هزاران نفر از میان پرستان زندانیان سربمیرند، هنوز صدها نفر که دوران شان بی پایان رسیده آزاد نشده‌اند، هنوز تقبیها و خلاف قانون، دادگاههای نظامی غیرقانونی پنهانی نامعادله رائج و بساط شکنجه و اعدام، در یک کلمه در میهن ما رژیم ترور و چپان حاکم است.

واقعیت عقب نشینی رژیم در آزاد کردن زندانیان سیاسی و هم واقعیت ادامه رژیم متناقض، ما را فقط بیک نتیجه می‌رساند و آن میباید مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را داد و بویژه این مبارزه را متحد ساخت.

لی متأسفانه با صراحت باید گفت که وضع بیضایت بخش نیست، زیرا با اینکه گوناگونی از جنب سازمانها، گروهها و مخالف رژیم در زمینه مبارزه برای آزادی سیاسی صورت میگیرد و با اینکه این اقدامات بت معنی هم داشته و دارد، ولی بعلت تفرقه گروهها و نیروهای مخالف رژیم و پراکندگی آنها، نتیجه این مبارزه آنچنانکه باید نیست. در حالیکه برای وحدت عمل در زمینه آزادی زندانیان سیاسی پایه عینی و واقعی

وجود دارد. کفایت بعنوان نمونه از برخی نمایندگان برجسته سازمانها و گروهها و بعضی شخصتهای مخالف رژیم، که اکنون در زندان بسر میبرند، نام ببریم: اعضای حزب توده ایران مانند: صفی‌زاده، ابوتراب باقرزاده، عباس جبری، محمد اسمعیل ذوالقدر، رضا شلتوکی، محمد علی عموئی، تقی کی منش، علی خاوری، صابر محمدزاده و آصف زمرندینه، از روحانیان آیت‌الله طالقانی، از هنرمندان و نویسندگان رحمانی نژاد، محسن یلفانی، سعید سلطانی، علی‌اشرف درویشیان، از هواداران مشی چریکی پاک نژاد و کاخساز، از جبهه ملی ایران دکتر عباس شیبانی.

چنانکه معلوم است همه این مبارزان با وجود گرایشهای گوناگون و گاه متضاد سیاسی و ایدئولوژیک یک «جرم» مشترک دارند و یک سرنوشت مشترک، یعنی مخالف رژیم دیکتاتوری شاهند و در زندانهای شاه در کتارهم نشسته‌اند. لذا سازمانها و گروههای مخالف رژیم که اعضاء و هواداران آنها در زندان سربمیرند، برای آزادی زندانیان سیاسی، میتوانند و باید وحدت عمل داشته باشند تا تمام نیروها هماهنگ و متمرکز گردند، همه امکانات و ابتکارات مورد استفاده قرار گیرد و بدینسان نتیجه این مبارزه که بسود همه است، چشمگیرتر شود.

حزب توده ایران که همواره باستواری و پیگیری برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه کرده و در این مبارزه اصل خدشه‌ناپذیر دفاع از زندانیان سیاسی را، صرف نظر از گرایشهای سیاسی و ایدئولوژیک آنان، رهنمای خود قرار داده است، با احساس مسئولیت کامل در برابر مردم ایران و فرزندان اسیر آنها، با ردیگراهمه نیروها، سازمانها، گروهها و افرادی که صادقانه برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه میکنند، میطلبد که مبارزه خود را در این زمینه، گسترش دهند و بویژه آنرا متحد سازند. حزب توده ایران بتوبه خود آماده است که تمام نیروها و امکانات خویش را برای گسترش این مبارزه و تحقق این وحدت عمل بکاراندازد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
خرداد ماه ۱۳۵۶

تظاهرات همبستگی در ایتالیا  
بمناسبت روز زندانیان سیاسی ایران

نوزدهمین سالگرد شهادت خسرو روزبه عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و همزمان ملی ایران طی مراسمی با حضور رفیق لوتیجی لوتگو صدر حزب کمونیست ایتالیا، و شهردار شهر رومانوفیانو که مجسمه «بیاد خسرو روزبه» در میدان بزرگ این شهر نصب شده است، با حضور نمایندگان احزاب دموکراتیک و دانشجویان ایرانی برگزار شد.

از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران، شهرداری شهر رومانوفیانو، سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران دسته‌های گلی پای تقدیس «بیاد خسرو روزبه» گذارده شد. باین مناسبت، شهردار شهر رومانوفیانو و نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران سخنرانیهای ایراد کردند. رفیق لوتگو نیز ضمن ادای کلمات گرمی، همبستگی خود و حزب کمونیست ایتالیا را با مبارزه مردم ایران و حزب توده ایران اعلام داشت.

دنباله در صفحه ۲

کنفرانس علمی با کوف  
انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر و جنبش خلقهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین

در دهه آخر ماه مه ۱۹۷۷ در شهر باکو بتابه تبرک کمیته همفرنی باخلقهای آسیا، آفریقا و لاتین و آکادمی علوم جمهوری سوسیالیستی فریباجان کنفرانس بین‌المللی برای بررسی علمی اثر انقلاب کبیر اکبر در گسترش جنبشهای پیش ملی درسه قاره تشکیل گردید.

انتخاب شهر باکو برای برگزاری این کنفرانس بسیار شایسته و بجا بود، زیرا در همین شهر که از مؤلفان نیرومند جنبش انقلابی پرولتاریایی قبل از انقلاب اکبر بود، پسران اولین باز برفوزی انقلاب اکبر در سال ۱۹۲۰ به ابتکار مین کنگره ملل شرق تشکیل گردید و این که نمایندگان بیش از ۴۰ کشور و از آنجمله ان خلقهای ایران در آن شرکت داشتند، همه بحرم جهان را فراخواند تا مبارزه خود را علیه بریالیستی گسترش دهند.

بر این کنفرانس هیئت‌های نمایندگی بیش از

دنباله در صفحه ۲

یگانه راه!

میخواهم برایتان از مرگ عزیزی بنویسم که شاگردانش او را خیلی دوست داشتند از کسی که ملت ایران باید در هر کس سوگوار باشد، چرا که او یکی از هزاران آدم سازنده ای بود که رژیم مغزور شاه زندگی را از او گرفت.

او معلمی دلسوز بود و پلری راهتما. چهل سال از ۵۸ سال عمر خود را تدریس کرد، وی سالها در این راه سوخت. در شهریور ۱۳۵۵ بود که خبر تیز باران محمد صفری لنگرودی فرزند غلامحسین صفری لنگرودی در روزنامه ما را منتشر شد. شاه خائنانه هر روز دستور کشتن جوانهای ما را میدهد و با این کار خانواده ها را داغدار میکند و پدری را از زندگی بیزار. چرا که عزیز ترین کس در دنیا برای پدر فرزند او است و از دست دادن فرزند غمی جانکاه. با اینحال پدر پس از شهادت پسرش بلاهم کار تدریس را دنبال میکرد. اما دینگر صفری، آن صفری گلشنه نبود که در کلاس درس همیشه لبخند بر لب داشت، شاگردانش را برای حل مسئله ای به جنب و جوش میانداخت؛ و اگر دانش آموزی در حل مسئله موفق نمیشد، با لبخند پسرانه‌ای خودش بجل آن میپرداخت. با اینکه رشته تدریس با فرولهای خشک ریاضی سر و کار داشت، ولی کلاش از گرمترین کلاسها بود.

اما حالا صفری چرا چنین شده؟ شاگردانش در گوش هم زمزمه میکردند. پرده ای اشک چشمان صفری را پوشانده بود. هاله ای از غم گرد سرش بود، کلاش آن روح سابق را نداشت، لبخندی که به شاگردانش امید میداد، دیگر بر لبانش نبود. بیوسته در مبارزه با غمی بود که تمام تاز و بود وجودش را میخورد. صفری مرده بود، و در واقع همان روزی مرد که پسرش تیریلران شد.

روز ۳۰ اردیبهشت خبر مرگ غلامحسین صفری معلم هندسه و مثلثات به شاگردان و همکارانش رسید و آنها را عزادار کرد. همه گریه میکردند. کوچک و بزرگ، همه کسانی که سالها با او بودند و صفری در قلبشان برای خود جایی باز کرده بود. هیچکس خبر را باور نمیکرد. شاگردانش اشک ریزان با دفتر مدرسه هجوم برده و از علت مرگ او جويا میشدند. مدرسه بهم ریخته بود. کارکنان مدرسه بچه ها را آرام میکردند، در حالی که سیل اشک از چشمانشان جاری بود. یکی امید میداد، دیگری با اشکش میفهماند که دیگر نباید منتظر صفری بود. روز بعد مدرسه سیه پوش شد.

۱۱ اردیبهشت شاگردانش مجلس یادبود او را برپا کردند و صادقانه در ماتم او نشستند. اما این مرگها پایان و این غمها تمامی ندارد؛ مگر همه متحد شویم و بساط دیکتاتوری شاه را واژگون سازیم.

بیخیزیم، متحد و استوار! صادقانه گام گذاریم در راهی که یگانه راه است؛ اتحاد برای برانداختن دیکتاتوری مغزور شاه!

تظاهرات همبستگی با ایران در ایتالیا

قبلا باینمنسبت شهردار رومانو فیاتو پیمای دائر به همبستگی با مردم ایران فرستاده بود که ضمن آن گفته میشد: «بنامندگی از طرف احیاسات دموی کراتیک شهر، دولت ضد خلتی شاه را که هر گونه آزادی را سرکوب کرده است، قاطعانه محکوم میکنیم.» سازمان جوانان و دانشجویان دموی کرات ایران نیز بمناسبت روز ۲۱ اردیبهشت روز زندانیان سیاسی ایران هزارها اعلامیه در شهرهای رم، بروجو، تورینو، فلورانس، پادوا و ونیز نصب و پلاکتهای بسیاری در این شهرها در دیوارها نصب کردند.

روزنامه «اومانیتیه» در گان مرکزی حزب کمونیست ایتالیا روز ۱۱ ماه مه باینمنسبت نوشت: «امروز روز همبستگی با زندانیان سیاسی ایران اعلام شده است. باینمنسبت پیمای دائر برخواست آزادی میهن پرستان ایرانی با امضاء عده زیادی از شخصیت های سیاسی و اجتماعی و هنری ایتالیا انتشار یافته که در آن اسامی زیر بچشم میخورد:

لویجی اونگو، صدر حزب کمونیست ایتالیا، زهربران لوجسته حزب کمونیست، جان کارلو پائینا، جورجو آمدولا، جرادو کیلارومته، آلورتورا، امانوئل ماکالوزو، صدراعضاده ملی پارلیتوانهای ایتالیا، اریکو پوئرلینی، شهردار رم، جولینو کارلوارا گان-

کارگران، زحمتکش!

از آیات قرآن و اخبار بوسیله یاره ای از گویندگان خود فروخته برنامه مذهبی دائر بر اینکه سعی و کوشش در کار فرمان الهی است (ایس لانسان الامسی) همه و همه وسائلی هستند که برای کشتن آخرین رمق زحمتکشان و جلوگیری از هرگونه جنبش حق طلبانه آنها بکار انداخته اند.

حکومت کارگر کش ایران اینک بی پرده زیر عنوان مبارزه با کم کاری، علیه طبقه کارگر بسود بهره کشان بمبارزه پرداخته است.

کم کاری، ادعای بیشرمانه است که رژیم و کارفرمایان و دستگاههای تبلیغاتی آنها برای توجیه اقدامات ضد کارگر خود عنوان کرده اند. دروغ بوزن این ادعا را کاغذهای دلگشا، ماشیهایی آخرین سیستم، مینیاردها ریالی سود هلی کسان که صرف عیاشی و سفرهای تفریحی بلویا و امریکا میشود، ذخیره هلی روز افزون بانکی در داخل و خارج کشور و افزایش میلیونر هائی که مانند قارچ میرویند ثابت میکند. این پولها از کجا آمده و چگونه کارفرمایان و مفتخواران ایران در زمانی کوتاه باین ثروتها سرشار رسیده اند؟ از کم کاری زحمتکشان یا از بهره کشی بیحساب از کارگران و زحمتکشان؟ این سود ویژه، که دولت با بوق و کرنا بعنوان «مراحم ملوکانه» نسبت به کارگران از آن دم میزند و آنرا در مواردی برابر سه ماه حقوق یک کارگر بحساب میآورد چیست؟ مگر نه جزء بسیار بسیار کوچکی از سود کلان است که کارفرمایان میبرند و در پایان سال چون قطره ای از دریا پس از هزاران تقلب و تزویر در محاسبات و تازه آنها را با بهره کشی کامل از نیروی کار، بکارگران میپردازند؟ اگر سودی نیست پس «سود ویژه» چیست؟ البته سود هست و خیلی هم هست، ولی دینگ طمع کار فرمایان پر شدنی نیست. آنها میخواهند که کارگران مانند دوران پردگی به بخور و نمیزی بسازند و تاجان دارند کار کنند و صدایشان هم در نیاید.

حکومت ایران مدعی است که در آمد سرانه مردم به دوهزار دلار رسال رسیده و سطح زندگی همسوار بالا رفته و از این ادعا باین نتیجه نادرست میرسد که گویا زحمتکشان ایران که در رفاه و آسایش بسر میبرند! کم کاری میکنند و باید تلاش بیشتری برای بالا بردن بهره دهی کار بعمل آورند. از روی یک محاسبه ساده میتوان پی برد که این ادعا تله اندازه پوچ و دروغ است. دولت حد اقل دستمزد یک کارگر را هیچجده تومان در روز تعیین کرده، ما آنرا بیست تومان بحساب میآوریم. باین حساب در آمد یک خانواده کارگری با حد متوسط پنج سر عائله ششصد تومان در ماه و هفت هزار و دویست تومان در سال خواهد بود. ما این رقم را ده هزار تومان میگیریم وقتی این مبلغ را به پنج سر عائله بخش کنیم بهر یک در هزار تومان در سال یا دویست و هشتاد دلار میرسد، یعنی هزار و هفتصد بیست دلار کمتر از درآمد سرانه ای که دولت مدعی است! حالا این سؤال مطرح میشود که پس این پولها که بحساب سرانه مردم گذاشته شده بکجا میرود؟ این پولها صرف خرید اسلحه، صرف نگهداری یک ارتش نیم میلیونی، صرف ساختن پایگاههای نظامی هوایی و دریایی، صرف حقوقهای گزاف کار شناسان نظامی امریکائی، صرف هزینه های کلان خبریاریان تیسلسران و مقامات عالیرتبه دستگهای اداری، صرف غارتگری سرمایه های خارجی، صرف نجات سرمایه داران بحران زده امریالیستی، صرف عیاشی جلاخان ساواک و گسترش شبکه های جاسوسی، صرف انباشتن جیب های کارفرمایان و متاعله کاران داخلی و خارجی و نظائر آنها میشود. آنچه از این غارتگریها، اتانها، حاتم بخشیها و روشن بگوئیم خیانتهای بزندگی روزانه کارگران و زحمتکشان عاید میشود، صرفنظر از همه چیز، بملت فراوانی پول در دست کسانیکه خود هیچ چیز تولید نمیکنند، تورم، بالا رفتن هزینه زندگی و پایین آمدن قدرت خرید زحمتکشان است. این واقعیت را طبقه کارگر استاندارد رم: مائورویسیو فورارا، نقاش معروف و دارنده مدال صلح لنینی، رناتو گوتوزو، نقاش مشهور و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست، ارستو ترکانی، مؤننا بهین منسبت از جانب عده ای از شهرداران ایتالیا تلگرافهایی مبنی برخواست آزادی سیاسی ایران مخابره شد. شهرداران شهرهای: لیورنو، بیستویا، گروسو، کارارا، چه زتا، بوجولا، رجوامیایا، پیترو سالنا، این تلگرافها را امضاء کرده بودند.

طرح قانون اساسی جدید اتحاد شوروی

سطح آموزش تخصصی و آگاهی سیاسی طبقه کارگر، دهقانان کلهوزی اعتلاء یافته، نشر روشنفکران جامعه به روشنفکران اصیل خلقی سوسیالیستی تبدیل شده اند. برابری خلقها در اتحاد شوروی نه تنها از لحاظ حقوقی و قانونی، بلکه عملاز لحاظ سطح اقتصادی و فرهنگی تحقق یافته است. با ایجاد جامعه سوسیالیستی رشد یافته همه اقشارهای جامعه شوروی در مواضع اندیشه ای و سیاسی طبقه کارگر قرار گرفته اند، بدین ترتیب حاکمیت کشور نیز که به شکل دولت دیکتاتوری پرولتاریا استقرار یافت، در این مرحله رشد تاریخی به دولت همگانی خلق تکامل می یابد.

شرایط بین المللی اتحاد شوروی طی چهل ساله ای که از تصویب سومیون قانون اساسی (سال ۱۹۳۶) میگذرد، عمیقاً تغییر یافته و در منظره سیاسی و اجتماعی جهان تحولات ژرفی روی داده است. به محاصره اتحاد شوروی که یگانه کشور سوسیالیستی در حلقه جهان سرمایه داری بود پایان داده شد و سوسیالیسم به سیستم جهانی تبدیل گردید و جامعه مقننر کشورهای سوسیالیستی پدید آمد. مواضع سرمایه داری جهانی بطور ماهوی و بمقیاس بین المللی تضعیف گردید، بجای مستعمرات پیشین دهها کشور نو استقلال ملی تشکیل یافت. در نتیجه این عوامل تناسب نیرو در عرصه جهانی بنفع سوسیالیسم دگرگون شده است.

در فصل چهارم قانون اساسی جدید زیر عنوان سیاست خارجی تصریح شده است: دولت اتحاد شوروی سیاست لنینی صلح را بطور پیگیر اجرا میکند، طرفدار استحکام مبانی امنیت خلقها و همکاری و سیع بین المللی است. سیاست خارجی اتحاد شوروی در جهت تأمین شرایط مساعد برای ساختمان کمونیسم در اتحاد شوروی، استحکام مواضع سوسیالیسم جهانی، پشتیبانی از مبارزه خلقها بخاطر آزادی ملی و ترقیات اجتماعی، جلوگیری از جنگهای تجاوز کارانه است.

در فصل هفتم طرح جدید حقوق اساسی و آزادیهای دمکراتیک و وظایف افراد جامعه تصریح شده است. در این فصل تصریح شده است که اتباع اتحاد شوروی بموجب قانون حق کار، استراحت، آموزش رایگان در تمام مدارج تحصیلی، استفاده از خدمات بهداشتی و پزشکی رایگان، تأمین مسکن، حقوق بازنشستگی، تأمین دوران سالخوردگی، بیماری و معلولیت را دارا میباشند.

یکی از بزرگترین دستاوردهای تاریخی جامعه شوروی که در طرح قانون اساسی جدید تصریح گردیده عبارت از آنست که مجموعه تحولات عظیم اقتصادی و اجتماعی و سیاسی موجب رشد و تکامل همگونی سیاسی و اجتماعی جامعه شوروی گردیده، در نتیجه اتحاد خلق ناپذیر طبقه کارگر و دهقانان کلهوزی و روشنفکران خلقی استحکام بیشتری یافته و تفاوتهایمان گروههای عمده اجتماعی بشتریح از میان میرود. همه ملتها و خلقهای اتحاد شوروی با روند زندگی سوسیالیستی بیش از پیش بیکدیگر نزدیک شده و همگون میشوند و جامعه شوروی مرکب از انسانهای با اشتراک منافع تاریخی نوین بشکل خلق واحد شوروی شکل و تکوین میپذیرد.

رفیق برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در گزارش خود پیرامون طرح قانون اساسی جدید در پانوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی متذکر شد: «کامیابیهایی سوسیالیسم که در مواد این قانون منعکس شده برای خلقهای کشور هائیکه راه رشد سوسیالیستی را برگزیده اند نمونه الهام بخشی است. این کامیابیها در توده های زحمتکش کشور های سرمایه داری در مبارزه در راه حقوق خود و رهایی از ستم استثمار سرمایه داری اعتقاد و ایمان بیشتری ایجاد میکنند. رفیق برژنف خاطر نشان کرد: «ما در مقابل تبلیغات بورژوائی و وزحمتکشان ما با گوشت و پوست خود لمس میکنند و به این دلیل است که با وجود خطر مرگ، زندان و بیکار شدن دست باعصاب میزنند و از حقوق خود دفاع مینمایند. تجربه آنها آموخته و بازم می آموزد که نباید کوچکترین انتظاری از شاه و دستگاه دولتی و صکارفرمایان سود جو داشت. مبارزات دلیرانه و حق طلبانه طبقه کارگر ما که دارای سنت مبارزه طولانی بویژه زیر رهبری سندیگالی شوروی متحده مرکزی و رهبری سوسیالیستی حزب توده ایران است، آگاهانه تر و سازمان یافته تر میشود. برای جلوگیری از این مبارزات و ارضای هر چه بیشتر آزمندی و طمع ورزی سرمایه داران و زمینداران بزرگ است که رژیم

کنفرانس علمی باکو

۷۰ کشور جهان شرکت جستند. در میان کنار نمایندگان کشورهای میزبان، نمایندگان سوسیالیستی اروپا و آسیا، هیئت های نمایند خلق های که زنجیرهای اسارت امپریالیستی دریده و راه تکامل آزاد را در پیش گرفته اند، خلق های که هم اکنون در مبارزه علیه امپر گریه هستند و همچنین نمایندگان گان برخی از کمونیستی کشورهای سرمایه داری غرب دیده کنفرانس در همان آغاز کار خود پنا رفیق برژنف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد را با شور فراوانی استقبال کرد.

گزارش اصلی کنفرانس بوسیله رفیق عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست اتحاد دبیر اول حزب کمونیست آذربایجان ایراد در این گزارش با روشنی چشمگیری میشد که در دوران ۶۰ ساله پس از انقلاب زیر تأثیر جهانگیر این عظیمترین تحول انقلابی بشر چه دگر گوئیهای شگرفی در سراسر جهان پیوسته است. جهانی که در دوران بر گزار، کنگره ملل شرق تقریباً تمامش را لاشخور، لیستی بین خود تقسیم کرده و حاکمیت شومغا و جنایت بلرانه خود را بر آن مستقر ساخته و سخرانهایی پر شور نمایندگان کف بیش کشور و جنبشهای رهایی بخش ملی و از انجما ویتنام، آنگولا، موزامبیک، گینه، خلقها و سیاه، مبلزان شیلی، برزیل، جنوب آفریقا و نامیبیا و دهها نمایندگی دیگر سمفونی پرده که از سوی خلقهای آزاد شده و در حال نبره میشد. این سرود ارزانی صادقانه و پرسپاس از بود از تأثیر تاریخی انقلاب کبیر سوسیالیستی از پشتیبانی بیدریغ و پیگیر کشور اتحاد شد جنبش های آزادیبخش ملی در همه مراحل تکام از روز نخست پیدایش اولین نقطه های انقلابی و پس از پیروزی، در دوران ساختمان پایه ها و بدلی جامعه نوین سوسیالیستی.

داشند بطور چشمگیر این واقعیت جلوه میک سیاست صلح اتحاد شوروی، سیاست تحمیل ه مسالمت آمیز به کشورهای امپریالیستی، سیاست در مناسبات بین کشورها امکانات پهلوور جدید رشد و پیشرفت جنبشهای آزادیبخش ملی بوجود است. در لابلای همه برآمدهای کنفرانس این نمایان میشد که تا چه حد پیشرفت سیاست صلح شوروی - که خود محصول تغییر محسوس نیروها در میمان سیاست جهانی است - در تنگ میدان عمل نیروهای متجاوز امپریالیستی و در کشایش راههای تازه و امکانات نو برای پیروزی های رهایی بخش ملی مؤثر بوده و میباشد.

در این کنفرانس بطور روشنی این واقعیت دیگر در برابر چشم شرکت کنندگان نمایان شد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبیر، دوران دگرگونی کهنه آغاز گردیده و علیرغم همه تلاشهای در حال امپریالیسم، مارش تاریخی آزادی خلقهای محروم روزافزون به پیش میرود و دیگر هیچ نیروی، هر جنایت پرابشند، توانائی آنرا ندارد که این تحول عقب برگرداند.

روبوژیونستی از تعبیر نادرست و تحریف شده دمکراسی و حقوق بشر، یک مجموعه کامل و واقع دمکراتیک دمکراتیک افراد جامعه سوسیالیستی میندیم. ما با تدوین این قانون اساسی، دستاورد واقعی دوران ساز زحمتکشان را که به برکت حاکم طبقه کارگر زیر رهبری حزب کمونیست شده اند، در گفه ترازوی تاریخ قرار میدیم. ق. پیروز

زیر شعار «مبارزه با کم کاری، فاش و برماله به کارگران آمده و هجوم تازه خود را آغاز کرده برای در هم شکستن این حمله و هجوم تنها آ آمده شده وجود دارد و آن اتحاد و مبارزه کارگر در راه دفاع از حقوق صنفی و اجتماعی است. حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر این است. توطئه های تازه ضد کارگری را فاش می کند کارگران و زحمتکشان را مبارزه آگاهانه و متحد دفاع از حقوق خود فرا میخواند. تنها ضامن پنا شما اتحاد و مبارزه شجاست. ا. گویا